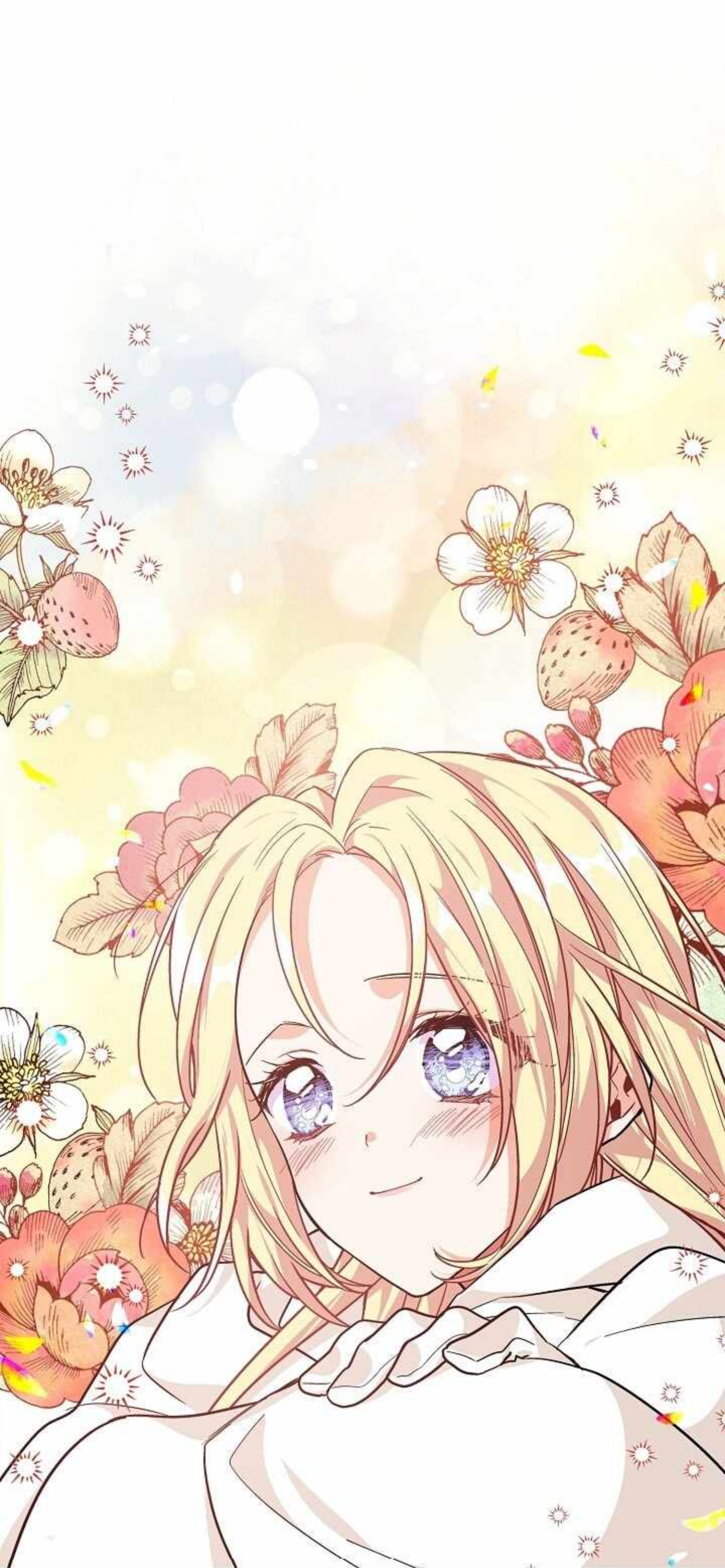
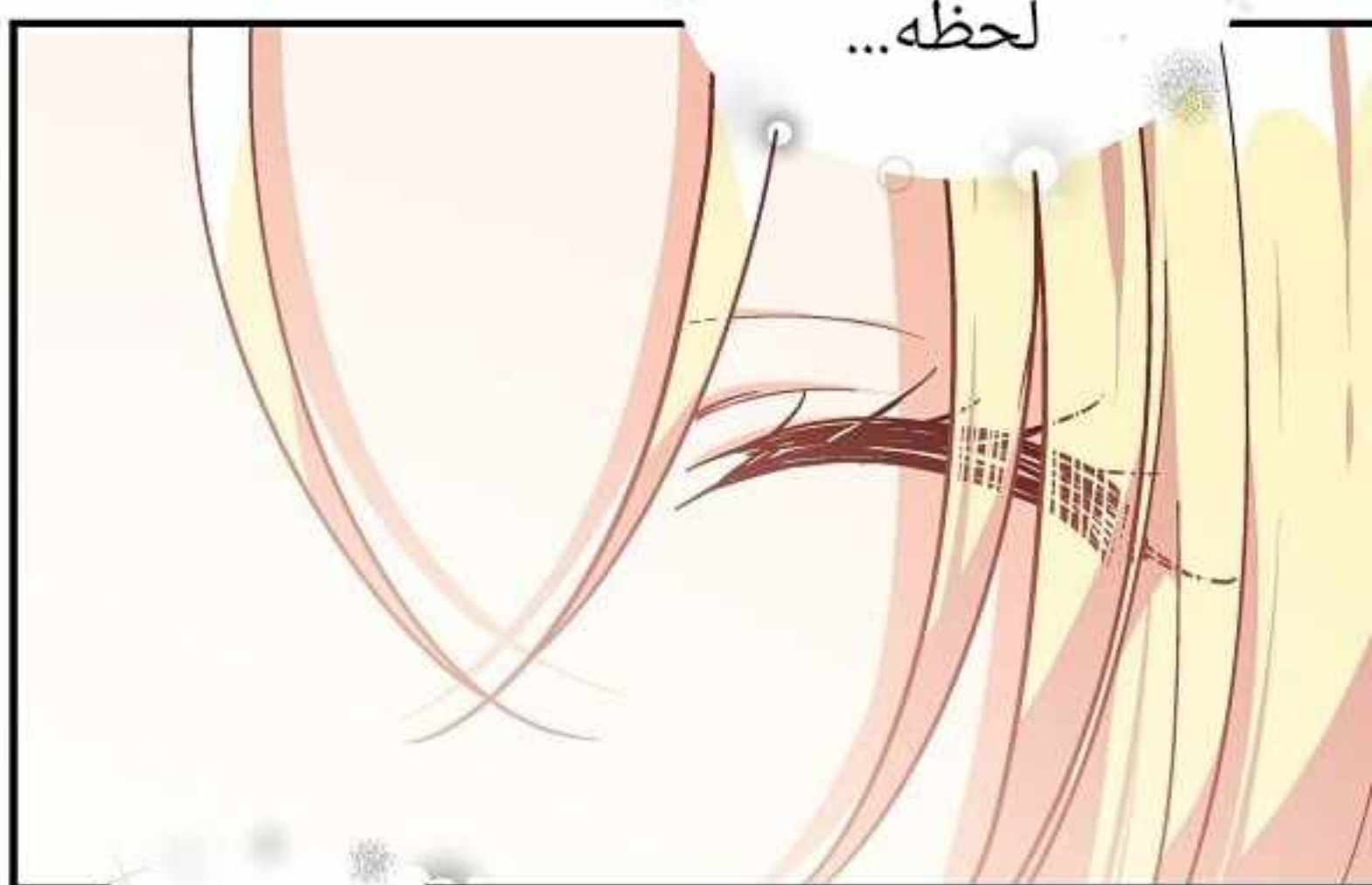




**INJRAKA**



آرزو میکنم این  
لحظه...



کمی بیشتر ادامه  
داشته باشه.



## Chapter 84

ایتور اناتا

مترجم H.\_H

ساحل دریای سیاه  
نزدیک بیزانس

مه خیلی شدیده.

چقدر طول میکشه به  
کریم برسیم؟

تقریباً پنج روز.

شنیدم وضعیت اونجا  
بدنه... احتمالاً ما تو  
خطریم.

در وهله اول، جنگ با  
تعداد زیادی نیرو شروع  
شد.



کاپیتان! یه کشتی  
ناشناس روبه رومونه!



چی؟

امکان نداره.



این پرچم امپراتوری  
رومانفه!



این یه موقعیت  
اضطراریه! اینا ناوگان  
امپراطورین!

ناوگان سوم قرار بود تو  
هند شرقی باشه! چرا  
اینجا تو دریای سیاهه؟



دارم درست  
میبینم؟

اداره تا چشت دراد

ناوگان دشمن داره نزدیک  
میشه، ما منتظر دستور  
شماییم کاپیتان!



یه مسیر ایجاد  
کنین!



نمیتونیم اجازه  
بدیم نزدیک بشن!

دشمن داره به صورت U  
شکل حرکت میکنه!

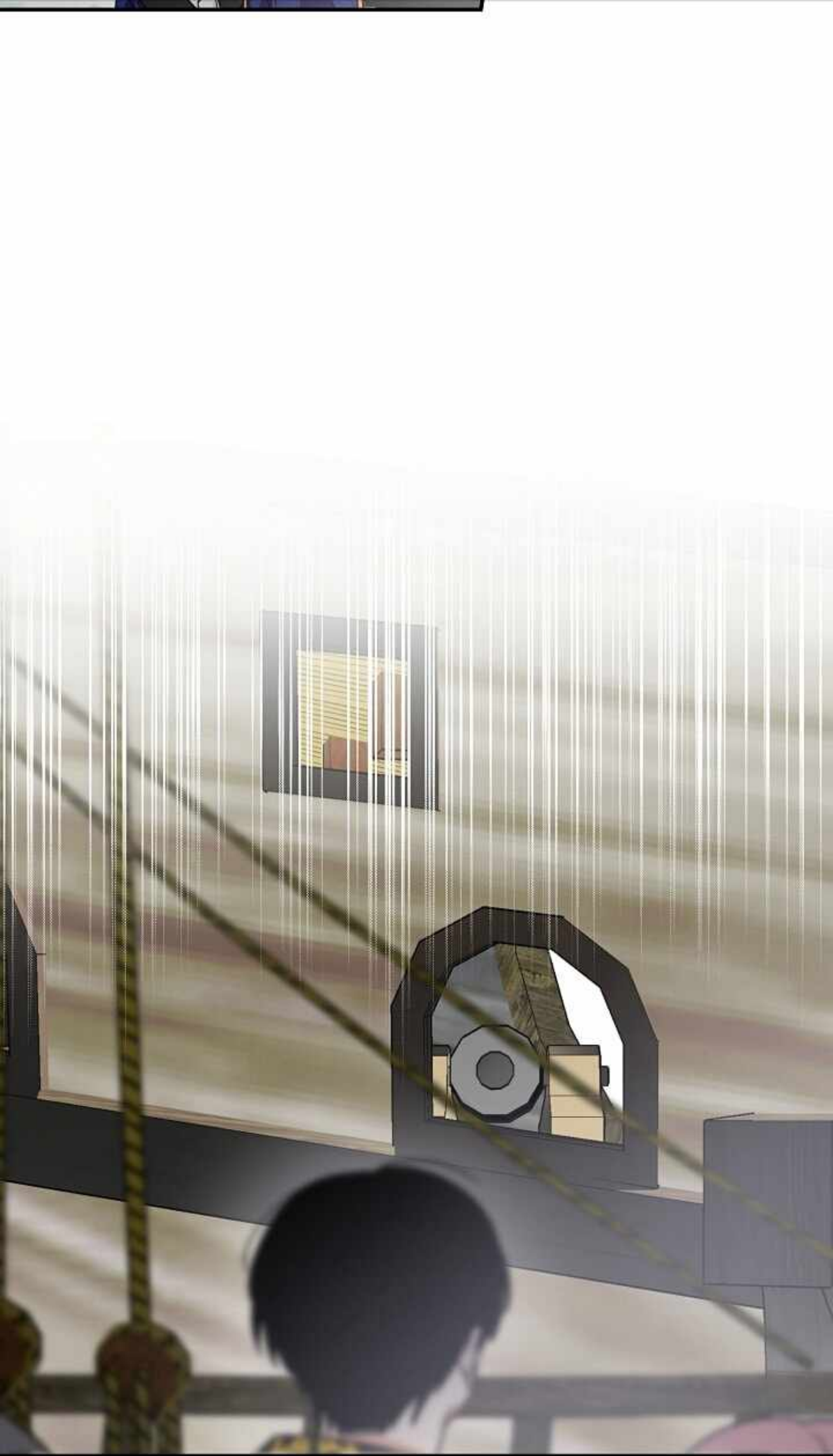


متوقفشون کنید!  
بهشون شلیک کنین!  
همین حالا!

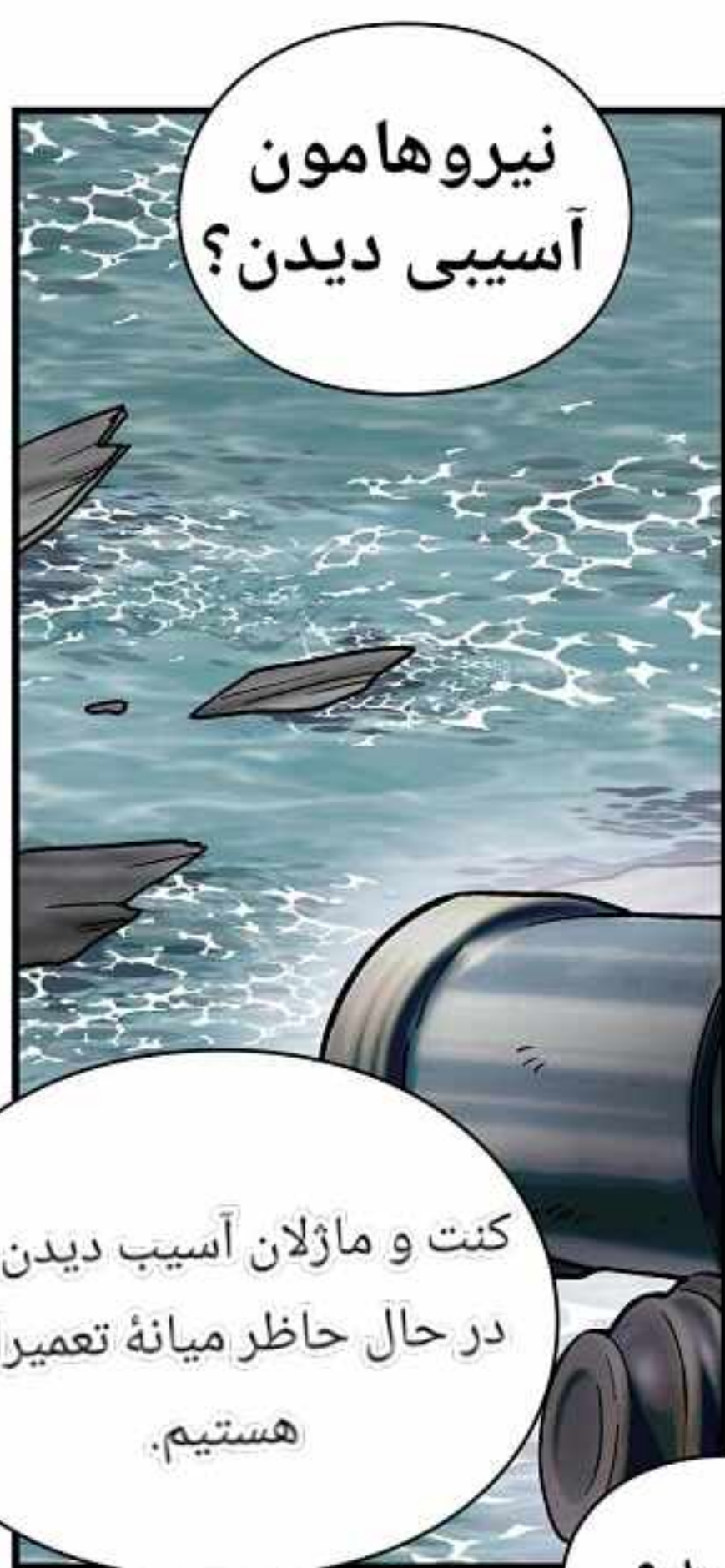
**BANG**

**CRASH**





BA-  
نههههه!!  
NG!



نیروها مون  
آسیبی دیدن؟

کنت و ماژلان آسیب دیدن. ما  
در حال حاضر میانه تعمیرات  
هستیم.

فهمیدم

به نام ولیعهد،

ما اینجا مستقر خواهیم  
شد و کشتی های جمهوری  
رو نابود خواهیم کرد

کاملاً تدارکاتشون رو نابود  
میکنیم تا جایی که هیچ گلوله  
و گندمی باقی نمونه.

سیمفرویل جنوبی، مرکز ارتش  
جمهوری، الان جزء اموال  
عمومی و ارتش امپراتوری  
مدعی اونجاست!\*

بنا به دستورات ولیعهد،  
این جنگ به دست ناوگان  
سوم امپراتوری به پایان  
میرسه!

\*(سخن مترجم: منظور از اینه که  
اون شهره الان بی صاحابه و  
امپراتوری میخواد تصاحبش کنه)



اههه، کدوم  
گورین؟  
دارم براتون!



برادر خنگ، گم  
نشدی، نه؟



یا من گم شدم؟ فکر  
نمیکنم اینجا باشن.

این بشر خیلی خوبه 🐼  
رابطش رو نمده کلا ازش خوشم میاد 😊

اههه، جداً! شما  
کجاییین؟!

مایکل دِ رومانف: دردسر  
در کوهستان اوکرا



اون چیه  
عالیجناب؟



یه پرنده‌ست.  
میخوایم واسه  
غذا بخوریمش.



با خوردنش  
مشکلی نداری؟

بله خوبه



واقعا؟

tilt

اره خوشمزه اس

مردم تو کره شکارشون  
میکنن و میخورنشون.

آه، درست کردن  
آتش آسونه؟

چون فقط یکم نیاز داریم،  
برای شروعش از قدرتم  
استفاده میکنم. اذیتم  
نمیکنه.



صبر کن الان. اونجا  
میپزمش.





میخوااین خودتون  
بپزیدش سرورم؟

اره من تو  
اینکار خوبم



آشپزیش خوبه.



نمیتونم باور کنم قراره  
غذایی که خودش پخته  
رو بخورم.



بفرما الیزه. یکم  
بخور.

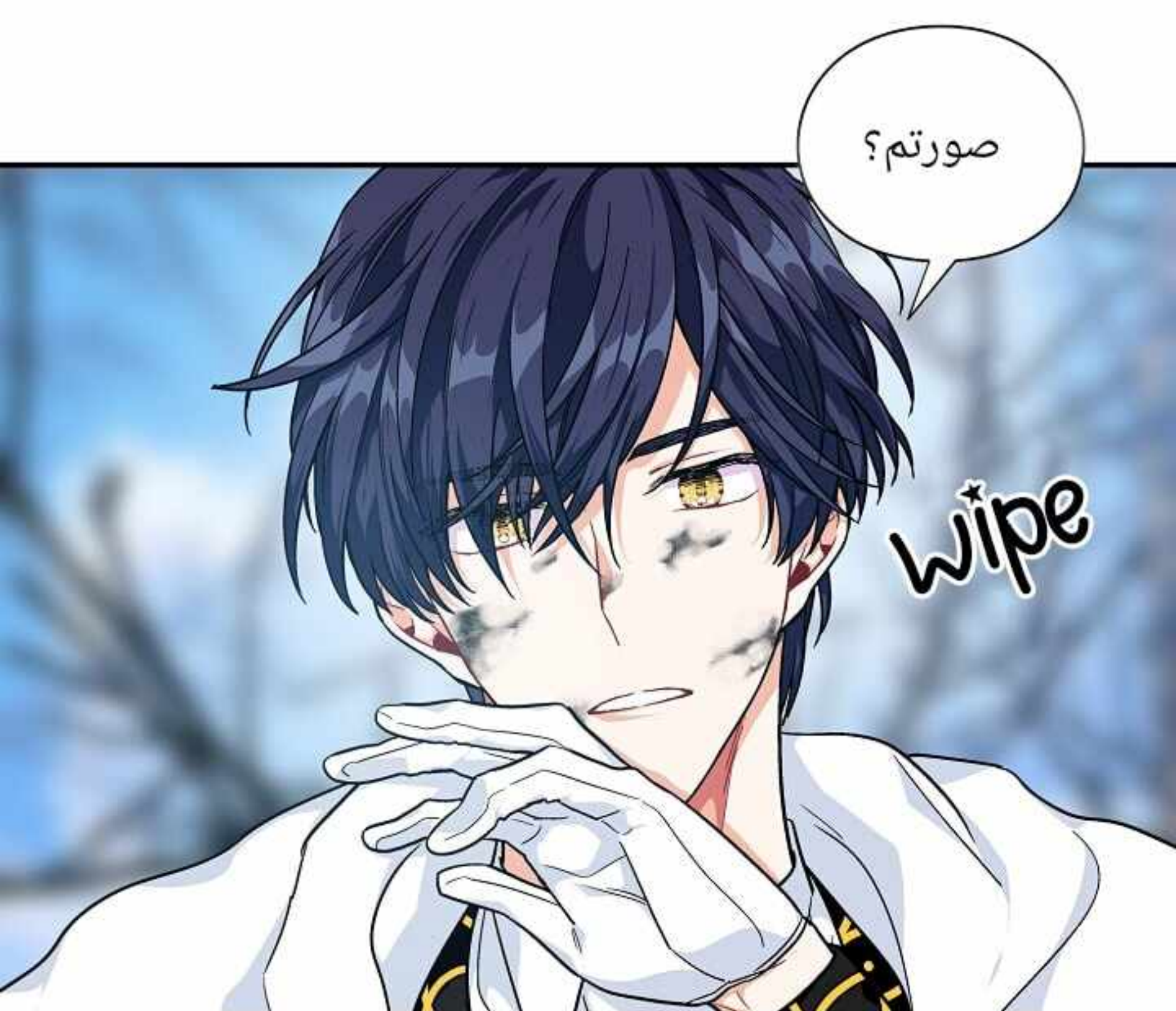


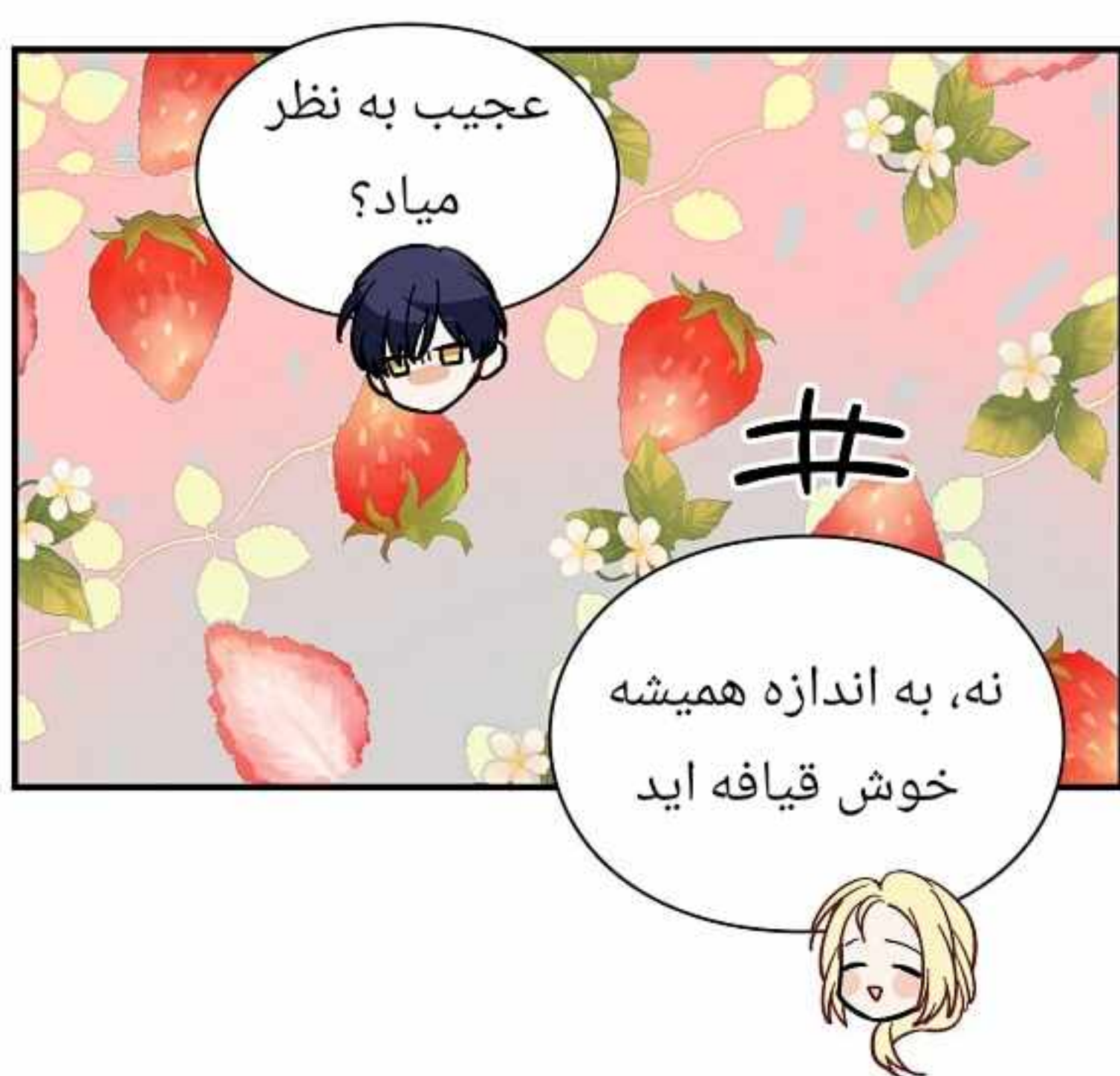
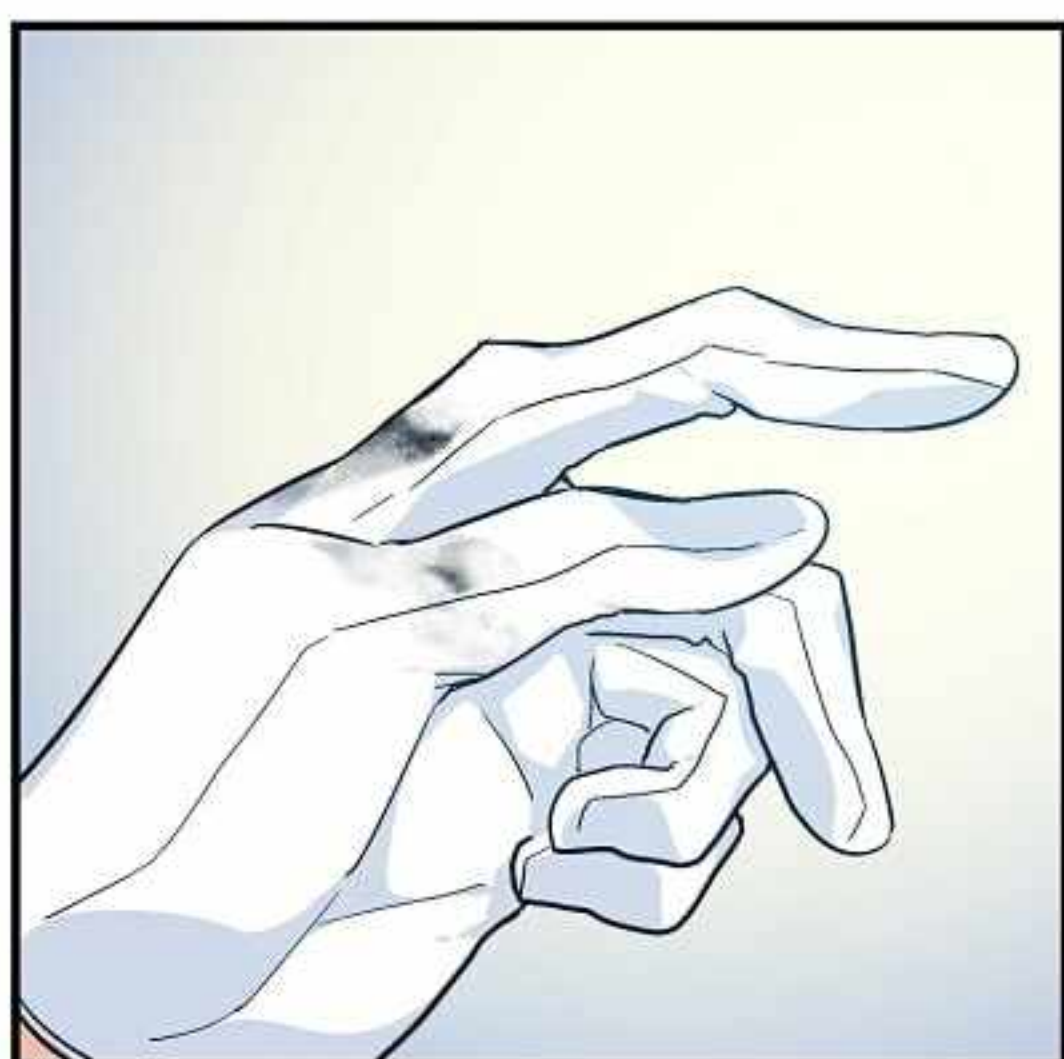
سرورم



هم؟ چیه؟

pffft...







من بهش گفتم  
خوش قیافه!



میخندیدم و بدون  
فکر گفتمش!



هرچی بشه  
هنوزم خوش  
قیافه ست.

تو هر دو زندگی قبلیم  
هیچکس به اندازه  
عالیجناب خوش قیافه  
نبوده.




من خوش قیافه ام؟  
حتی با دوده های رو  
صورتتم؟



این یه شوخیه؟





این چه طعمیه؟



خیلی  
خوشمزست...!



باید مزش خوب باشه. دو سال  
پیش تو جنگ آنجلی وقتی من  
مسئول غذا بودم، همه دوسش  
داشتن



کی اون رو بهتون گفته؟

افرادم

منظورم اینه که اونا  
گفتن خیلی خوبه؟

این آخر مزست  
عالیجناب!!

بهترین طعم  
دنیاست!!

آره اونا نظرشون  
این بود که مزش  
خوبه

آها



ادامه دارد.....

S N S  mini\_mini\_ii



(주) 키다리아엘티

담당 PD 채보결 디자인 정선희  
편집장 이민영  
편집장 라성균  
SNS  kidari\_STUDIO

※ 본 작품은 저작권법에 의해 보호를 받는 저작물이므로 무단 복제 및 배포를 금지합니다.  
무단 전재 및 재배포 시 법적 책임을 물을 것입니다.



BROUGHT TO YOU BY

# bucci gang

RAW PROVIDER	◆ TSALI
TRANSLATOR	◆ ZIAN
PROOFREADER	◆ RAN
CLEANER	◆ ACCENTIA
REDRAWER	◆ SALMON
TYPESETTER	◆ LUCIA
QUALITY CHECKER	◆ DI

PLEASE SUPPORT THE OFFICIAL RELEASE  
WHEN IT BECOMES AVAILABLE TO YOU!

CREDITS PAGE BY SALMON

ادمین به مراد رسیدہ

وایسا باور کن من  
کاریت  
ندارم  
فقط می خواهم  
تیکه تیکت کنم

کپی کار بدبخت

